

ریشه در فرهنگ غرب دارد، از جمله مارکسیسم؛ به عنوان مثال، حکومت در سال ۲۰۱۱، اوراق سفید توسعه مسالمت آمیز چین را منتشر کرد که به صراحت بیان می‌کرد: «اتخاذ مسیر توسعه مسالمت آمیز انتخاب استراتژیک حکومت و مردم چین است که با سنت فاخر فرهنگ چینی، روند پیشرفت‌های زمانه و منافع بنیادی چین مطابقت دارد».^{۲۴} در این بیانیه عبارت‌های «روند پیشرفت زمانه» و «منافع بنیادی چین» عوامل عینی را منعکس می‌کنند و عبارات «سنت فاخر فرهنگ چینی» به عوامل ذهنی اشاره دارند. این سند رسمی قصد حکومت چین برای لحاظ کردن ارزش‌های سیاسی سنتی در حین تدوین سیاست خارجی را منعکس می‌کند.

حکومت چین در سال ۲۰۱۳ رهنمودهای سیاست خارجی خود را از «سر در لاک خود بودن» به «مجاهدت برای دستاوردها» تغییر داده است، اما همچنان ارزش‌های سنتی چین راهنمای تصمیم‌گیری حکومت‌اند؛ به عنوان مثال، در کنفرانس فعالیت دیپلماتیک به سوی کشورهای همسایه،^{۲۵} توضیحات مربوط به سیاست‌های خارجی جدید حاوی اصطلاحاتی بود که به ارزش‌های سنتی چین مرتبط‌اند؛ از قبیل (qin) نزدیک بودن، (cheng) اعتبار، (hui) نیکوکاری و (rong) دربرگیری.^{۲۶} این چهار خصیصه چینی در بخش سیاست خارجی گزارش کنگره نوزدهم حزب نیز ظاهر شدند.^{۲۷}

علاوه بر تغییر در رهنمودهای سیاست خارجی، که قبلاً اشاره شد، چین ژست دیپلماتیکش را هم از یک «قدرت معمولی» به یک «قدرت اصلی» مطابقت داده است که از تغییر در تصور حکومت از قابلیت‌های کنونی خود حکایت می‌کند. در مجمع صلح جهانی^{۲۸} در سال ۲۰۱۳، وانگ یی، وزیر امور خارجه چین، این تغییر را از دریچه فلسفه چین باستان توضیح داد: «ویژگی‌های منحصر به فرد دیپلماسی چین از تمدن غنی و عمیق چینی سرچشمه می‌گیرند. ملت چین در طول تاریخ پنج هزار ساله اش این موارد را بسط داده است: مفهوم انسانی عشق به همه مخلوقات چنان‌که گویی از نوع شما هستند [عشق به] همه مردم چنان‌که گویی برادران شما هستند؛ فلسفه سیاسی بها دادن به فضیلت و تعادل؛ رویکرد صلح آمیز عشق، عدم پرخاشگری و حسن همجواری؛ اهمیت والای ایده صلح و هماهنگی بدون یک شکلی و نیز رفتار شخصی در قبال دیگران به نحوی که دوست دارید با شما رفتار شود و کمک به موفقیت دیگران با همان روحیه‌ای که می‌خواهید خودتان موفق شوید. این ارزش‌های سنتی با سبک شرقی انحصاری، منبع بی‌پایانی از دارایی‌های فرهنگی بسیار گرانبها برای دیپلماسی چین فراهم می‌آورند».^{۲۹}

صرف نظر از اینکه آیا این افکار نیکخواهانه سنتی چینی در سیاست‌های واقعی به کار بسته شده‌اند یا نه، حکومت چین لااقل در لفظ، ادعا کرده است که در حین تدوین سیاست خارجی تحت هدایت این افکار قرار داشته است. در واقع، استناد به اقوال باستانی چینی اکنون پیش‌نیاز سخنان سیاستی رهبران چینی است؛ با این حال، نمی‌توان این واقعیت را نادیده گرفت که ارزش‌های سنتی چینی باید ارزش‌های پراگماتیسم اقتصادی را در بر بگیرند و بدین ترتیب پیوندی ایجاد کنند که سیاست‌های خارجی چین را هدایت کند؛ زیرا پراگماتیسم اقتصادی حتی در میان مردم عادی و بوروکرات‌ها هم بسیار محبوب است.

فراتر از لیبرالیسم از خلال بحث فوق می‌توانیم سه دینامیسم در حال تحول را ملاحظه کنیم که از امکان بالقوه ظهور ارزش بین‌المللی غالب جدیدی حکایت دارد. این سه دینامیسم عبارت‌اند از: ۱. لیبرالیسم آمریکایی در حال افول است، با وجود این، ذی‌نفوذترین